

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
بازده	پیشگفتار ویراست سوم
۱	پیشگفتار
۳	مقدمه
۴	بخش اول: تاریخچه حقوق تجارت
۵	مبحث اول: تاریخ بین‌المللی حقوق تجارت
۱۴	مبحث دوم: تاریخچه حقوق تجارت ایران
۲۰	بخش دوم: منابع حقوق تجارت
۲۰	مبحث اول: منابع رسمی حقوق تجارت
۳۳	مبحث دوم: منابع خصوصی حقوق تجارت
۴۱	بخش سوم: جایگاه حقوق تجارت در نظام حقوقی ایران
۴۱	مبحث اول: ارتباط حقوق تجارت با حقوق مدنی
۵۷	مبحث دوم: ارتباط حقوق تجارت با شعبات دیگر حقوق
۶۲	بخش چهارم: موضوعات حقوق تجارت و تقسیم‌بندی مطالب کتاب
باب اول: قلمرو حقوق تجارت	
۶۷	فصل اول: معاملات تجاری ذاتی
۶۹	بخش اول: معاملات برواتی
۷۱	بخش دوم: عملیات توزیعی
۷۲	مبحث اول: خرید یا تحصیل مال منقول به قصد فروش یا اجاره
۸۱	مبحث دوم: تهیه و رسانیدن ملزومات
۸۲	بخش سوم: عملیات تجاری تولیدی
۸۴	بخش چهارم: عملیات خدماتی

۸۴	مبحث اول: خدمات واسطه‌ای
۹۲	مبحث دوم: خدمات مالی
۹۹	مبحث سوم: خدمات متفرقه
۱۰۴	بخش پنجم: معاملات دریایی
۱۰۷	فصل دوم: تاجر
۱۰۷	بخش اول: اشخاص حقیقی تاجر
۱۰۸	مبحث اول: انجام دادن امور تجاری
۱۰۹	مبحث دوم: شغل معمولی
۱۱۱	بخش دوم: اشخاص حقوقی تاجر
۱۱۲	مبحث اول: اشخاص حقوقی موضوع حقوق خصوصی
۱۲۰	مبحث دوم: اشخاص حقوقی موضوع حقوق عمومی
۱۲۲	فصل سوم: اعمال تجاری تبعی
۱۲۲	بخش اول: اعمال تبعی تاجر حقیقی
۱۲۳	مبحث اول: معرفی اعمال تجاری تبعی
۱۲۷	مبحث دوم: دامنه اعمال تجاری تبعی
۱۳۱	بخش دوم: اعمال تبعی شرکتهای تجاری
۱۳۱	بخش سوم: اعمال تبعی فرعی
۱۳۵	فصل چهارم: ملاک عام تجاری بودن اعمال تاجر
۱۳۵	بخش اول: ملاک گردش ثروت
۱۳۶	بخش دوم: ملاک جستجوی سود
۱۳۹	فصل پنجم: رژیم حقوقی عملیات تجاری
۱۴۰	بخش اول: ایجاد تعهدات تجاری
۱۴۰	مبحث اول: شرایط ماهوی ایجاد تعهدات تجاری
۱۴۵	مبحث دوم: شرایط شکلی ایجاد تعهدات تجاری
۱۴۷	بخش دوم: اجرای تعهدات تجاری
۱۴۸	مبحث اول: مقررات خاص دعاوی تجاری

- ۱۴۸ مبحث دوم: تعهدات برائی
- ۱۴۹ بخش سوم: محو تعهدات تجاری
- ۱۵۰ مبحث اول: مهلت‌های تجاری
- ۱۵۲ مبحث دوم: مرور زمان تجاری
- ۱۵۶ بخش چهارم: رژیم حقوقی اعمالی که برای یکی از طرفین تجاری است

باب دوم: چهارچوب‌های فعالیت تجاری

- ۱۶۱ فصل اول: سازماندهی فعالیت تجاری
- ۱۶۱ بخش اول: سازماندهی اداری
- ۱۶۶ بخش دوم: سازماندهی حرفه‌ای
- ۱۷۱ فصل دوم: شرایط اشتغال به تجارت
- ۱۷۱ بخش اول: اصل آزادی اشتغال به تجارت
- ۱۷۲ بخش دوم: استثنائات وارد بر اصل آزادی اشتغال به تجارت
- ۱۷۲ مبحث اول: محدودیت‌های شخصی
- ۱۷۹ مبحث دوم: محدودیت‌های موضوعی
- ۱۸۱ فصل سوم: الزامات حرفه‌ای تاجر
- ۱۸۱ بخش اول: ثبت‌نام تاجر در دفتر ثبت تجاری
- ۱۸۲ مبحث اول: سازماندهی دفتر ثبت تجاری
- ۱۹۱ مبحث دوم: آثار حقوقی ثبت یا عدم ثبت‌نام تاجر در دفتر ثبت تجاری
- ۱۹۶ بخش دوم: تنظیم و نگهداری دفاتر
- ۱۹۶ مبحث اول: اشخاصی که مکلف به داشتن دفاتر تجاری هستند
- ۱۹۸ مبحث دوم: معرفی دفاتر تجاری
- ۲۰۱ مبحث سوم: طرز نگهداری دفاتر تجاری
- ۲۰۳ مبحث چهارم: نقش حقوقی دفاتر تجاری
- ۲۰۷ مبحث پنجم: ضمانت اجراهای عدم نگهداری صحیح دفاتر

حقوق تجارت، و جایگاه حقوق تجارت در نظام حقوقی ایران که به ترتیب در بخشهای اول تا سوم این مقدمه به آنها می‌پردازیم. در بخش پایانی مقدمه نیز به موضوعات حقوق تجارت و تقسیم‌بندی کتاب خواهیم پرداخت. البته این مقدمه که طولانی است تنها مقدمه این جلد از کتاب نیست بلکه مقدمه عام همه مجلدات کتاب (کلیات، شرکتهای، اسناد تجاری و ورشکستگی) است که هر کدام نیز مقدمه خاص خود را دارند.

پیش از آغاز این مباحث لازم است این نکته را ذکر کنیم که لفظ «تجارت» در علم حقوق مفهوم وسیع‌تری از همین لفظ در علم اقتصاد دارد؛ یعنی هم شامل اعمالی می‌شود که از نظر علم اقتصاد جنبه تجارتي دارند (مانند خرید و فروش کالای ساخته‌شده)، هم شامل اعمالی است که جنبه تولیدی دارند (صنعت) و هم شامل اعمالی که خدماتی هستند؛ به عبارت دیگر، حقوق تجارت هم حقوق تجارت است (به معنی معمول کلمه)، هم حقوق صنعت و هم تا حد زیادی حقوق خدمات.

بخش اول: تاریخچه حقوق تجارت

بعضی مؤلفان فرانسوی گفته‌اند: «حقوق تجارت امره تاریخ است»؛^۱ پس درک مقررات آن مستلزم بررسی تاریخ آن است.

حقوق تجارت ایران به صورت امروزی، سابقه‌ای طولانی ندارد، اما از تجربه‌های طولانی کشورهای دیگر بهره فراوان برده و تا حد بسیاری از آنها تأثیر پذیرفته است. نتیجه این وضع ارتباط تنگاتنگ حقوق تجارت ما با حقوق تجارت کشورهای دیگر است و بنابراین، بررسی تاریخ آن در کنار تاریخ حقوق تجارت این کشورها امری منطقی است. تبعیت از این فکر ما را بر آن می‌دارد که ابتدا به بررسی تاریخ حقوق تجارت در کشورهای بیگانه و سپس به تاریخچه حقوق تجارت ایران بپردازیم.

مبحث اول: تاریخ بین‌المللی حقوق تجارت

الف) دوره باستان

حقوق تجارت بی‌شک از زمانی آغاز می‌شود که تجارت پا به عرصه حیات می‌گذارد؛^۱ اما آنچه آغاز تمدن بازرگانی تلقی می‌شود به زمانی حدود دو هزار سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد. اولین اسنادی که در خصوص روابط بازرگانی به ما رسیده‌اند عبارت‌اند از «الواح وارکا»^۲ (حدود سال ۲۰۰۰ ق.م) و «گد»^۳ حمورابی، پادشاه بابل (حدود ۱۷۰۰ ق.م). بررسی این اسناد نشان می‌دهد که در آن زمان، جامعه تجاری، که اکثریت یک جامعه را تشکیل می‌داده،^۴ با حقوق بانکی و حقوق راجع به شرکتها، در حد ابتدایی آشنا بوده است و با مسافرت تجار منطقه بین‌النهرین به مناطق ساحلی دریای مدیترانه این حقوق بدانجا راه پیدا کرده است؛ مناطقی که بیشتر واضح حقوق دریایی بوده‌اند.^۵

برعکس، در مصر به سبب اهمیت ویژه امور کشاورزی تجارت رونق چندانی نداشته است و در نتیجه حقوق راجع به آن نیز فقیر است؛ البته، برخلاف آنچه اغلب گفته می‌شود، مصریان چندان هم نسبت به امور تجارت بی‌اعتنا نبوده‌اند؛ بدین دلیل که خط پیچیده مصری به علت استفاده در ارتباطات تجاری ساده شد؛^۶ اما این نکته قابل قبول است که هیچ اثری از قواعد تجاری مورد اعمال در مصر باستان وجود ندارد.

از تمدن تجاری فینیقیها نیز، به جز «قاعده رودس»^۷، که منسوب به جزیره «رودس» مستعمره فینیقیهاست و هنوز هم در تجارت بحری معمول است، اثری وجود ندارد. به موجب این قاعده، هرگاه برای نجات کشتی حادثه‌دیده‌ای لازم باشد

1. Dekeuwer-Défossez, Françoise (1922), *Droit Commercial*, n°. II.

۲. *Tablettes de Warka*: الواحی که در شهر وارکا، از شهرهای کهنه، پیدا شده است.

۳. برای ملاحظه طرز عمل بابلیها در خصوص قراردادهای تجاری رجوع کنید به: صالح، علی‌پاشا (۱۳۶۸)، *مباحثی از تاریخ حقوق*، ص ۱۰۹.

4. Ripert, Georges et René Roblet (2001), *Traité de droit commercial*, t. 1, n°. 11.

5. Dekeuwer-Défossez (1992), n°. II.

6. *Lex Rhodia de Jactus*

قسمتی از اموال بارشده در آن به دریا ریخته شود، صاحب کالایی که به دریا ریخته می‌شود حق مطالبه خسارات ناشی از پرتاب اموال خود به دریا را از دیگر صاحبان کالا به تناسب خواهد داشت. این قاعده امروز به «خسارت یا آواری مشترک»^۱ معروف است که قانون‌گذار ایران در ماده ۱۸۵ قانون دریایی (مصوب شهریور ۱۳۴۳) به آن اشاره کرده است.^۲ با وجود این، حدس زده می‌شود که بسیاری از قواعد حقوق تجارت که از طریق حقوق یونان و روم به غرب رسیده است، به طور ناشناس از حقوق فنیقیها بازمانده است.^۳

با آنکه یونانیان باستان در تجارت پد طولایی داشته‌اند، به حقوق راجع به آن کمتر پرداخته‌اند. برعکس، آنچه در تمدن یونان جلب توجه می‌کند پرداختن به حقوق اساسی و سیاست است. با این حال، نقش آنان در ایجاد قواعد تجاری اندک نیست: اولاً، تثبیت و توسعه قاعده «رودس» کار یونانیان است؛ ثانیاً، وام موسوم به «وام دریایی یونانی» را آنان وضع کردند که بعدها در قرون وسطی در اروپا از آن استفاده شد؛^۴ ثالثاً، چون شهرهای یونان قدیم به صورت نسبتاً مستقل اداره می‌شد و هر یک مقررات سیاسی و مدنی خاصی داشت، بازرگانانی که از محلهای دیگر به این شهرها می‌آمدند و در آنجا سکونت می‌کردند، مجبور بودند حقوق بازرگانی خاص خود را با مقررات شهرها تلفیق کرده، دادگاههای اختصاصی تجار را ایجاد کنند که بازرگانان قرون وسطی به تقلید از آنها دادگاههای بازارهای مکاره را برگزار کردند؛ این دادگاهها اسلاف دادگاههای تجارت امروز فرانسه‌اند.^۵

1. Avarie Commune

۲. روزنامه رسمی، شماره ۵۸۷۶، ۱۳۴۴/۲/۶ (مجموعه قوانین سال ۱۳۴۳، ص ۴۹۸).

3. Champaud, Claude (1981), *Le droit des affaires, Que sais-je?*, p. 7.

۴. قرارداد وام دریایی چنین بوده است که وام‌دهنده به صاحب کشتی پول می‌داده که کالایی از خارج بخرد و حمل نماید. اگر کشتی سالم باز می‌گشت، وام‌دهنده علاوه بر اصل وام درصدی نیز دریافت می‌کرد. هرگاه کشتی غرق می‌شد، وام‌دهنده حتی نسبت به اعاده سرمایه خود نداشت. این قرارداد در عین حال هم جنبه وام داشت و هم بیمه. گفته می‌شود که قرارداد بیمه از همین قرارداد به وجود آمده است.

5. Ripert et Roblot (2001), t. 1, n°. 14.

در نهایت باید از حقوق روم صحبت شود که در عین غنای مقرراتش در خصوص اموال و تعهدات، که حقوق فرانسه از آن بهره فراوان برده است، حقوق تجارت مستقلی ندارد. در واقع، در حالی که در آن زمان طبقات اجتماعی خاصی تحت عنوان «تاجران پول» (بانکداران) و «تاجران کالا» (بازرگانان صادرکننده و واردکننده کالا) وجود داشتند، حقوق تجارت از حقوق مدنی جدا نبود، چه از حیث ماهیت و چه از حیث صلاحیت دادگاهها و تشریفات رسیدگی قضایی.^۱ با این حال، بعضی از قواعد امروزی حقوق تجارت در حقوق روم ریشه دارد؛ از جمله قاعده‌ای که به موجب آن اعمال خدومه و کارگران تاجر به حساب خود تاجر گذاشته می‌شود و بند ۳ ماده ۳ قانون تجارت ایران نیز به آن اشاره دارد.^۲ در حقوق ورشکستگی نیز آثاری از حقوق روم دیده می‌شود که مهم‌تر از همه قاعده تقسیم به نسبت اموال تاجر بین طلبکاران است؛ اما نمی‌توان گفت که بین قواعد حقوق تجارت و حقوق روم ارتباط خاصی وجود دارد.^۳

از اواخر تمدن روم زندگی تجاری و مبادلات رو به افول می‌گذارد و حقوق تجارت تضعیف می‌شود. از آن زمان باید حدود هزار سال صبر کرد تا تجارت و حقوق تجارت حیات دوباره یابد. آغاز قرون وسطی آغاز ظهور حقوق تجارت است.

ب) قرون وسطی

این دوره از حقوق تجارت از قرن یازدهم میلادی شروع می‌شود و تا قرن پانزدهم ادامه می‌یابد. این دوره، دوره شکوفایی تجارت است و می‌توان گفت دوره توسعه

1. Dekeuwer-Défossez (1992), n°. IV.

۲. شهروندان رومی، تجارت را پست می‌شمردند، اما چون نمی‌توانستند از مزایای مادی آن بگذرند غلامان و بردگان را در محل تجاری که برقرار می‌کردند به کار تجارت وا می‌داشتند. برای آنکه اربابان نتوانند از زیر بار تعهدات غلامان و بردگان خود شانه خالی کنند، این قاعده در روم وضع شد که به موجب آن معاملات اینان به حساب اربابان گذاشته می‌شد. هنوز هم بند ۳ ماده ۳ قانون تجارت مقرر می‌کند که «کلیه معاملاتی که اجزا یا خدومه یا شاگرد تاجر برای امور تجاری ارباب خود می‌کند، تجاری است، یعنی به حساب تاجر گذاشته می‌شود.

3. Ripert et Roblot (2001), t. 1, n°. 12.

حقوق تجارت و بین‌المللی شدن آن نیز هست.^۱ سه عامل در ایجاد این وضع مؤثر افتاده‌اند:

۱. عامل سیاسی. رونق تمایل به مصرف در میان مردمی که در حوزه حکومتی روم قرن‌ها در جنگ و خونریزی بودند و طعم صلح را می‌چشیدند، بازرگانان اروپا را ترغیب می‌کرد که در جستجوی کالاهای مصرفی مقبول صاحبان ثروت و مکنس، برای آوردن ابریشم، فرش و ادویه از فلاتدر و یا پارچه از شامپانی و از حوالی شهرهای ایتالیا به این مناطق سفر کنند. در این سفرها، که از غرب به شرق یا شمال اروپا انجام می‌گرفت، بازرگانان که به سبب خطرهای راه به صورت گروهی مسافرت می‌کردند، در بین راه در شهرهای مختلف توقف کرده بازارهای موقت و به اصطلاح «بازارهای مکار» تشکیل می‌دادند. پادشاه و حکام محلی، در جستجوی سود بردن از این رونق معاملات، در این بازارها حضور داشتند، خواه به‌عنوان مشتری، خواه به‌عنوان صاحب‌منصب حکومتی و برای اخذ مالیات و خواه به‌عنوان مقام قضایی و برای حل اختلافات تجار از طریق دادگاههایی که صاحب‌منصبان موسوم به «کنسول»^۲ در آنها عضویت داشتند.

وجود رابطه تنگاتنگ بین تجار و حکام در اروپای قرون وسطی، حکام را بر آن می‌داشت که در مقابل محدودیتهایی که کلیسا برای بازرگانی به وجود آورده بود، از تجار دفاع کنند و به‌ویژه در منطقه‌ای به نام «کمباردی»^۳ در شمال ایتالیا، اعمال بهره را برخلاف نظر کلیسا، مجاز و نیز غیرقابل تعقیب اعلام نمایند؛ البته، این وضع قابل توجیه است؛ زیرا مقامات این منطقه و بعضی از مناطق دیگر خود از تجار بودند.^۳

۱. شاپیرا، ژان (۱۳۷۱)، حقوق بین‌الملل بازرگانی، ص ۷ به بعد.

۲. لفظ «کنسولر» (Consulaires) از همین زمان به‌عنوان صفت دادگاههای تجاری باقی مانده است. در فرانسه، امروزه هم به دادگاههای تجارت، دادگاههای کنسولر گفته می‌شود. کنسولها (Consuls) در عین حال قاضی حکومتی و قاضی دادگاههایی بودند که به مناسبت بازارهای مکاره در شهرها تشکیل می‌شد.

۳. در همین دوره است که شهر ونیز، با ۳۲۰۰ کشتی بزرگ، «جمهوری کسبه» نام می‌گیرد.

۲. عامل مذهبی. توسعه و شکوفایی تجارت کلیسا را بر آن داشت که نظریات خود را در مورد فعالیت تجاری و به‌ویژه در مورد بهره متحول کند:

اول اینکه مطالبه بهره، که کلیسا با آن به شدت مخالفت می‌ورزید و به همین سبب، فقط یهودیان و کسانی که تحت اقتدار کلیسا نبودند، به آن متوسل می‌شدند در مورد برات، در فرض زیر مورد قبول قرار گرفت: برات که بنا بر قولی اختراع بازارهای مکاره است^۱، نوشته‌ای است که با استفاده از آن طلبکار می‌تواند به بدهکارش دستور دهد مبلغ معینی را به شخص ثالثی (دارنده برات) پرداخت کند.^۲ بنا به تصمیم کلیسا، طلبکار و بدهکار نباید در یک محل باشند و به همین علت از برات به عنوان وسیله‌ای برای پرداخت از محلی به محل دیگر و در اغلب موارد برای تبدیل پول (محلی) به پول دیگر استفاده می‌شد. کلیسا، در این فرض خاص، اخذ بهره از جانب طلبکار برات را، به عنوان کارمزد «تبدیل» و جبران زحمت راه مجاز تلقی می‌کرد که خود تحول بزرگی در حقوق تجارت و تقویت اعتبار ایجاد کرد.

دوم اینکه کلیسا گرفتن سود را در فرضی که شخصی به شخص دیگر پول می‌داد که با آن فعالیت تجاری کند و حاصل فعالیت را با او تقسیم نماید، پذیرفت. این قرارداد که موسوم به قرارداد «کوماند» بود به اشرف اجازه می‌داد پول خود را به بازرگانان بدهند تا با آن معامله کنند، بدون اینکه مشمول مقررات سخت کلیسا در خصوص بهره پول شوند. قرارداد مذکور، مادر یک تأسیس حقوق تجارت است که به «شرکت مختلط غیرسهامی» موسوم است، که خود مادر شرکت دیگری موسوم به «شرکت با مسئولیت محدود» است.

۳. عامل صنفی. این دوره از تاریخ تجارت در اروپا با ایجاد اصناف تجاری همراه است؛ با این توضیح که بازرگانان و پیشه‌وران و صنعتگران در گروههای صنفی مربوط به شغل خود جمع شده و هر کدام مقررات حرفه‌ای خاصی وضع

1. Ripert et Roblot (2001), t. 1, n°. 14.

۲. برای صحت برات لازم نیست دستور گیرنده (براتگیر) بدهکار باشد، ولی در اغلب موارد برات‌دهنده برات را روی بدهکار خود صادر می‌کند.